

بازشناسی دروازه‌های شهر شیراز
(نمونه موردی: دوره زندیه)
محمدرضا احمدی، فاطمه هوایی
صص ۳۹-۴۷

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۸

روشنایی مرکز معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مروت و معماری ایرانی و اسلامی
Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

۴۹

بازشناسی دروازه‌های شهر شیراز (نمونه موردی: دوره زندیه)

محمدرضا احمدی^۱، فاطمه هوایی^۲

۱ - کارشناس گردشگری حوزه شهرداری شیراز (مدیر مرکز شیرازشناسی - wvja_24@yahoo.com)
۲ - کارشناس مدیریت جهانگردی (مدرس حوزه گردشگری شیراز - f_havayi333@yahoo.com)

چکیده:

یکی از بهترین دوره‌های تاریخ شیراز، دوره حکومت زندیه می‌باشد که این شهر به عنوان پایتخت ایران انتخاب شد. جدای بحث حکومت این خاندان، در معماری این دوره نیز تغییر و تحولات بسیاری روی داد که با گذشت بیش از دو قرن از این حکومت، هنوز آثار و بناهای آن باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین المان‌های این دوره را که امروز از بین رفته می‌توان دروازه‌های شهر معرفی کرد. در گذشته نخستین تصویری که از هر شهر در ذهن مسافری نقش می‌بست ورودی آن بود که هویت بخش آن شهر و بازگو کننده ایدئولوژی حاکم محسوب می‌شده است. دروازه‌های شهر نقش بسیار مهمی در تحولات این دوره و دوره‌های قبل داشته که به مرور زمان کارکرد خود را از دست داده‌اند و امروزه ما تنها دروازه قرآن را از دوره زندیه به یادگار داریم. نکته قابل تأمل اینکه کریمخان زند دروازه‌های شهر شیراز را از ۱۲ به ۶ دروازه تقلیل داد که می‌توان به اهمیت حفاظت و امنیت در این دوره اشاره نمود. در این مقاله که براساس اسناد کتابخانه‌ای انجام شده، سعی بر آن شده تا دروازه‌های شش‌گانه دوره زندیه در شیراز مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: شیراز، زندیه، دروازه شهر، معماری.

۱- مقدمه:

در گذشته دروازه‌های شهر و فضاهای پیرامون آن‌ها، مکان‌هایی با ارزش و مقدس به شمار می‌آمدند. آیین گشودن و گذر از یک دروازه، مراسم ویژه‌ای را طلب می‌کرد. همچنین دروازه در گذشته شاهی بروضعیت اجتماعی شهر به شمار می‌آمده و فرهنگ‌های کهن شرق، مکان‌های داوری را در همین جا بنا می‌نهادند، بنابراین عمل ورود از یک دروازه، یک عهد و پیمان است با آنچه درون شهر قرار دارد و نقش دروازه در این میان، هدایت‌گری است. آستانه و دروازه نشان‌دهنده جهت و راه حلی ملموس و بلادرنگ برای پیوستگی فضا هستند. در شهر اسلامی، دروازه در مقیاس بناهای مهم، فضاهای باز عمومی و در نهایت در مقیاس شهر، نقش‌های ویژه‌ای را به خود می‌پذیرد. در معماری شهرهای قدیم ایران، دروازه‌ها و فضاهای ورود به بناها به ویژه بناهای مذهبی از تسلسل و تنوع بسیار غنی برخوردار بودند. در شهرنشینی ایرانی، حصارهای منظم، باروها و دروازه‌ها، قلمرو شهر را برای ورود به شهر تعیین می‌کردند. علیرغم وجود نشانه‌های شهری در مقیاس‌های مختلف جهت تأکید بر ورود و خروج نسبت به حوزه شهری، این اتفاق از مدت‌ها قبل، از دروازه‌ها آغاز شده است. فضای ورودی شهرها نیز متأثر از فرهنگ و سنن اجتماعی دارای ویژگی‌های ادراکی و عملکردی بود که این ویژگی‌ها در فضای ورودی شهرها عمدتاً حاصل فعالیت‌های است که در آن فضا جریان داشت. دعوت کردن، هویت بخشیدن، ایجاد حس ورود، برقراری ارتباط ادراکی و بصری بین دو فضا، از جمله ویژگی‌های ادراکی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران بود. ورودی همه شهرهای ایران واجد تمامی این خصوصیات نبود و برحسب اهمیت ورودی و شهر مورد نظر، از نظر دارا بودن بخشی و یا همه این ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. مقایسه بین ویژگی‌های ورودی یک بنا و شهر در گذشته نمایان‌گر وجود شباهت میان آن‌ها بوده و به نظر می‌رسد همان اهدافی که موجب شده تا فضای ورودی یک بنا شکل گیرد و تعامل یابد، در شکل‌گیری فضای ورودی شهر نیز نقش داشته و علت تفاوت در ساختار کالبدی ورودی بنا و شهر، تفاوت در میزان خصوصی بودن این فضاها و روش پاسخ‌گویی به این اهداف بوده و ایجاد می‌نماید که ساختار کالبدی فضای ورودی بنا بسیار خصوصی‌تر از ورودی شهر باشد. به طور کلی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران همانند بناها، فضایی با ماهیت انعطاف‌پذیر بوده که می‌توانست همانند یک معضل خود را با ویژگی‌های هر دو فضایی که به هم پیوند می‌یابد، منطبق سازد.

۲- شیراز در دوره زندیه

کریمخان زند در سال ۱۱۷۳ هجری قمری کاخ گلستان را به سبک بناهای دوره ساسانی به عنوان دارالحکومه و دیوانخانه و محل ارگ سلطنتی و حرمسرا بنیان‌گذاری نمود. لیکن سه سال بعد یعنی در سال ۱۱۷۶ هجری قمری از فکر ماندن در تهران منصرف شد و به شیراز آمد و این شهر را به پایتختی خود برگزید. شهریار زند هنگامی که شیراز را پایتخت خود قرار داد میل داشت که این شهر را طوری بیازاید که شاه عباس اصفهان را (نصر، ۱۳۸۷: ۳۹). در عهد کریمخان، بهترین و زیباترین قسمت شهر ناحیه‌ای بوده که عمارات نویناد وکیل در آن بنا گردیده بود. در این دوره عمده محلات و گسترش شهری در حول و حوش مجموعه بناهای کریمخانی بود. در زمان او، شیراز جلگه‌ای وسیع بود که دهات چندی در وسط آن به صورت منفصل از یکدیگر وجود داشت. کریمخان ضمن اتصال و ادغام این دهات، حصاری دور آن‌ها کشید که در مجموع

شهر شیراز را تشکیل می‌دادند (حسین پور، ۱۳۸۹: ۸۳۰). با توجه به روحیه کریمخان به احداث بناهای یادمان و باشکوه کردن شهر شیراز، پس از مرمت و تقویت حصار و برج و باروی شهر، متوجه عمران و آبادی داخل و خارج آن شد. وی به تمامی بزرگان و ثروتمندان شیراز تکلیف کرد که منازل زیبا و بزرگ برای خود بنا کنند و شخصاً نیز برای اقامت خود، کاخی عظیم در داخل شهر بنا کرد. معماری بناهای کریمخانی از صلابت و پختگی فرهنگ معماری ایران برخوردار بود و در طراحی شهری این دوره به جنبه‌های کارکردی بیش از جنبه‌های زیبایی‌شناسی اهمیت داده شد. طراحی در محدوده‌ای از پیش تعیین شده و در بافت صدمه دیده شهری صورت گرفت اما در این دوره نحوه قرارگیری عناصر شهری تابع خصوصیات ساختار اصلی گذشته شهر که همانا توجه به کلیت شهر در قالب فضاهای شهری و نه به صورت بناهای منفرد و مجزا بود. تا ابتدای حکومت کریمخان زند، شیراز دارای ۱۹ محله بود که او بعضی از این محلات را در هم ادغام کرده و تعداد آن‌ها را به ۱۱ محله کاهش داد به طوری که بعضی از قسمت‌های شهر در خارج از حصار قرار گرفت و دروازه‌های ۱۲ گانه را به ۶ دروازه کاهش داد و در مقابل هر دروازه، میدانی وسیع احداث و در آن درختانی سایه دار مانند چنار غرس کرد.

۳- معنای دروازه

در گذشته، دروازه‌های شهر نقش آستانه و محل گذار از بیرون به درون را ایفاء می‌کرده‌اند. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و آیینی در کنار این دروازه‌ها شکل می‌گرفت. گذرهای اصلی شهر عموماً از دروازه‌ای شروع و به دروازه‌ای دیگر ختم می‌شد (شعله، ۱۳۸۵: ۱۹). در گذشته دروازه مفهومی برابر با عبور از یک فضای بیرونی و ورود به یک فضای درونی داشته و عموماً با مفهوم رسیدن یا حس رسیدن پیوند خورده و ارائه می‌شده است. در گذشته نخستین تصویری که از هر شهر در ذهن مسافرین نقش می‌بست، ورودی آن بود. پس از مدت‌ها گذر از میان بیابان یا کوهستان، با رسیدن به مزارع و باغ‌های اطراف شهر، کم‌کم احساس نزدیک شدن به یک مجتمع زیستی به فرد دست می‌داد، با عبور از آن‌ها مسافر به دروازه می‌رسید که چون در میان باروی شهر جای داشت، مدخل شهر محسوب می‌شد. وجود دروازه بیشتر جنبه‌ای نمادین داشت و احساس ورود به شهر از مدت‌ها پیش و به محض نمایان شدن سواد شهر و مزارع و باغ‌های اطراف آن در مسافر برانگیخته شده بود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۴۵). فلاح فردر کتابش در خصوص معنی دروازه می‌نویسد: ((ورودی بزرگ، ورودی شهر یا بناهای بزرگ، محل اتصال فضاهای درون شهری و بیرون شهر)) (فلاح فر، ۱۳۷۹: ۹۶) و در کتاب فرهنگنامه معماری ایران آمده: ((در ورودی بزرگ و اصلی خانه، شهر، قلعه و... و محل ورود به شهر، قلعه یا قصبه و ده به اعتبار اینکه در مدخل شهرها و قلاع و قصبات درهای بزرگ کار گذاشتندی و در این حال دروازه بردریا بنایی که در بر آن نصب شده است و مجموعاً مدخل شهر یا قصبه و قلعه را مشخص می‌سازد)) (بهشتی و قیومی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). هوشنگ رسولی نیز در کتابش در این مورد می‌نویسد: ((هر شهر با توجه به اهمیت آن یک تا چند دروازه با درهای قوی و غالباً فلزی داشت. این دروازه‌ها به تناسب شرایط و زمان، باز و بسته می‌شد. مأمورین انتظامی، اطلاعاتی و مالیاتی بر ورود و خروج ساکنین شهر، مسافرین و کالاهای همراه آن‌ها نظارت می‌کردند. معمولاً در طرفین دروازه‌ها، دو تا چند مناره جهت راهنمایی کاروانیان ساخته می‌شد)) (رسولی، ۱۳۸۹: ۱۲). با گذشت زمان و پدید آمدن تحول در فعالیت شهرها و ارتباطات، حصارهای شهری رو به نابودی نهادند و به تبع آن دروازه‌های شهر تخریب شده یا

به صورت نادر به عنوان یک نماد شهری حفظ گردیدند.

۴- دروازه‌های شیراز در ادوار مختلف

شیراز از دوره آل بویه دارای هشت دروازه بوده که می‌توان به دروازه اصطخر، دروازه شوشتر، دروازه بند آستانه، دروازه غسان، دروازه سلم، دروازه کوار، دروازه منذر و دروازه فهندژ اشاره نمود. در دوره اتابکان، دروازه‌ها به ۹ عدد افزایش پیدا می‌کند که حمدالله مستوفی در کتابش به تعداد آن‌ها اشاره کرده و حتی محله‌های شهر شیراز را ۱۷ محله می‌داند. علی سامی در کتابش اسامی این دروازه‌ها را به ترتیب: دروازه اصطخر، دروازه دراک، دروازه بیضاء، دروازه کازرون، دروازه سلم، دروازه فسا، دروازه نو، دروازه دولت، دروازه سعادت (سامی، ۱۳۳۷: ۹). در دوره صفوی به احتمال فراوان تعداد دروازه‌های شهر به مانند دوره‌های قبل بوده، هر چند شاردن از ۴ دروازه صحبت کرده ولی احتمالاً منظور او ۴ دروازه اصلی شهر بوده است. تحول بسیار مهم در خصوص دروازه‌ها در دوره زندیه اتفاق می‌افتد. در این دوره کریم خان شیراز را به عنوان پایتخت خود انتخاب و حصار شهر را کوچک و در نتیجه دروازه‌ها نیز نسبت به دوره‌های قبل کاهش پیدا می‌کند و این تعداد دروازه در دوره قاجار و حتی در اوایل دوره پهلوی نیز وجود داشت. فسایی در کتاب فارسنامه ناصری می‌نویسد: ((شیراز در زمان معموری ۱۲ دروازه و ۱۹ محله داشته است و دور باروی آن نزدیک به فرسخ و نیمی بود و نواب کریمخان زند، وکیل السلطنه طاب ثراه، شیراز را در ۶ دروازه و ۱۱ محله قسمت فرمود و دروازه بیضا و دروازه جباچی و دروازه سعادت آباد و دروازه فسا و دروازه گوسفند و دروازه خاتون را موقوف بداشت و محله باغ نو و محله باهلیه و محله درب کازرون و محله دشتک و محله سرجان و محله شاهچراغ (ع) و محله شیادان و محله موردستان را جزو محلات دیگر نمود)) (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۴۴). فرصت الدوله در آثار عجم اینگونه دروازه‌های شهر را می‌نویسد: ((گویند سابق نه دروازه داشته ولی اکنون آن را شش دروازه است، بدین تفصیل: ۱. دروازه اصفهان ۲. دروازه باغ شاه ۳. دروازه کازرون ۴. دروازه شاه داعی ۵. دروازه قصابخانه ۶. دروازه سعیدی (فرصت الدوله، ۱۳۶۲: ۴۳۲)). با توجه به اینکه فرصت الدوله در دوره قاجار زندگی می‌کرده، باید دروازه‌هایی که نام برده، بازمانده دوره زندیه باشد که امروزه هنوز خاطره این دروازه‌ها در ذهن مردم باقی مانده و از این دروازه‌ها یاد می‌کنند اما تنها یک دروازه به یادگار مانده که دروازه اصفهان یا همان دروازه قرآن است.

۵- دروازه‌های شش‌گانه شیراز در دوره زندیه

همان‌طور که ذکر شد کریمخان زند جهت امنیت شهر شیراز و کنترل بهتر آن، دروازه‌ها و محله‌های این شهر را کاهش داد. در زیربه معرفی شش دروازه این دوره پرداخته خواهد شد.

۱-۵- دروازه قرآن (دروازه اصطخر یا دروازه اصفهان)

این دروازه امروزه در قسمت شمال شیراز و یکی از خروجی‌های اصلی این شهر است. در گذشته از زیر این دروازه رفت و آمد جریان داشت اما سپس با توجه به خیابان‌کشی جدید، دروازه کنار قرار گرفت و به عنوان یک المان درآمد. دروازه قرآن یکی از دروازه‌های معروف شیراز بوده که در زمان دیلمیان ساخته شد. قرآنی بر فراز آن قرار داشته تا مسافری به برکت عبور از زیر آن، سفر را به سلامت به پایان برند. به مرور زمان طاق آن شکسته و تخریب شد. در زمان کریمخان زند مجدداً آن را مرمت کردند و در بالای آن

اتاقی ساخت و دو جلد قرآن نفیس را در آن قرار دادند (حکمت نیا و احمدی، ۱۳۹۵: ۴). مشخص نیست نام این دروازه به قرآن از چه زمانی مرسوم شده زیرا طبق منابع در دوره عضدالدوله و کریمخان زند قرآن بر فراز این دروازه وجود داشته اما می‌توان نامیدن آن را به دروازه قرآن از زمان صفویه یا زندیه دانست زیرا به مانند دیگر دروازه‌های شهر همیشه اسم آخر بر دروازه‌ها ماندگار و امروز نیز نام دروازه قرآن بر زبان مردم جاری می‌باشد. نام این دروازه در ابتدا دروازه اصطخر بوده زیرا از این دروازه به سمت شهر اصطخر قدیم می‌رفته‌اند. مقدّسی هنگام ذکر دروازه‌های شیراز در قرن چهارم هجری قمری از باب اصطخر صحبت می‌کند. به گفته کرامت الله افسر نام اصطخر تا اوایل دوره صفوی ماندگار بوده که در دوره اتابکان نیز همین نام بر این دروازه بوده است. مؤلف شیرازنامه نیز هنگام ذکر مناقب شیخ ابوبکر علاف، قبر او را بردرب اصطخر معرفی می‌نماید و مؤلف شدالآزار هنگام معرفی شیخ حسن کیا از دروازه اصطخر صحبت می‌کند، پس این دروازه تا قرن ۷ یا ۸ هجری قمری به نام اصطخر خوانده می‌شده است. احتمالاً در ابتدای دوره صفویه نیز هنوز نام این دروازه اصطخر بوده و در زمان حکومت امامقلی خان برفارس به دلیل برش کوه و آسان نمودن رفت و آمد مردم به سمت اصفهان، نام دروازه به اصفهان تغییر می‌کند. با توجه به اینکه بیشتر سیاحان و جهانگردان از این دروازه دیدن و آن را توصیف کرده‌اند در این جا به چند نفر از آن‌ها و توصیفات آن‌ها از این دروازه اشاره خواهد شد:

ریچاردز که در اوایل دوره پهلوی به شیراز آمده، در مورد این دروازه می‌نویسد: ((از نقطه تنگ الله اکبر دروازه شهر را می‌توان مشاهده کرد. این دروازه در مجاورت یکی از دوباغ کوچک تر واقع شده و محلی است که مردم شیراز غالباً هنگام عصر برای هواخوری یا در عید نوروز بدانجا می‌آیند. دروازه قدیم شهر، دروازه قرآن نامیده می‌شود و برای کسانی که به ایران مسافرت می‌کنند یکی از مأنوس ترین نقاط به شمار می‌رود. وجه تسمیه آن این است که در یکی از اتاق‌های بالای آن یک نسخه قرآن نگاهداری می‌شود. طبیعی است که اتاق مزبور ((بست)) به شمار می‌رود و اروپائیان را در آن راه نیست. این دروازه به واسطه همین اتاق و محتوی مقدس آن مشهور گردیده است. شهرت این نسخه به خصوص از قرآن از این جهت است که می‌گویند اگر کسی آنقدر احمق باشد که بخواهد یک صفحه از آن را بکند، وزن آن صفحه با وزن تمام قرآن برابر می‌شود و از قرار معلوم تاکنون کسی چنین آزمایشی نکرده است. در زیر این اتاق، درون یکی از طاق نماها جایگاه مخصوص نگهبان‌ها قرار دارد که عده‌ای سرباز، شب و روز در آن مشغول نگهبانی هستند. کار عمده آن‌ها مراقبت اشخاصی است که وارد شهر می‌شوند و از آن خارج می‌گردند نه حفظ و حراست شئی نفیس که نگاهداری آن به عهده ایشان واگذار شده است)) (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۱۶۸). کارستن نیبور در اوایل دوره زندیه به شیراز آمده و هنگام رفتن به تخت جمشید از دروازه قرآن سخن گفته اما اسم آن را ذکر نمی‌کند. او می‌نویسد: ((در فاصله دو کیلومتری شهر از دروازه باشکوه بزرگی گذشتیم، قسمت اعظم این دروازه از سنگ‌های تراشیده‌ای ساخته شده بود. این بنا در حال ویران شدن بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۱۹). هانریش بروگش در خصوص دروازه قرآن توضیح مختصری ارائه می‌دهد. او می‌نویسد: ((از روی پلی سنگی می‌گذریم و به حومه شهر نزدیک می‌شویم. نخست از میان انبوهی از درختان سرو عبور می‌کنیم. در آن جا فروشندگان را می‌بینیم که چای، قلیان، انار و خرما و میوه‌های دیگری را به عابران عرضه می‌کنند. کمی آنسو تر دروازه شهر با معماری ایرانی اش قرار دارد و بالای آن نشان شیرو خورشید به چشم می‌خورد)) (بروگش، ۱۳۷۴: ۲۳۵). حاج سیاح نیز می‌نویسد:

((در نزدیکی مشرقین در راه، جاده تنگی هست که بر آن طاقی زده و اطاق کوچکی بالای آن ساخته و رحلی گذاشته‌اند که بر آن قرآنی است، می‌گویند یک ورق آن هفده من و تمام آن هم هفده من است. برای سلامت، مسافری از زیر آن عبور می‌کنند و مریضان از آبی که بر جلد آن ریخته به ظرفی جمع کرده‌اند شفا می‌طلبند و در آن محل حاجات می‌خواهند (حاج سیاح، ۱۳۶۳: ۷۲). مسیو چریکف می‌نویسد: ((از شیراز به چهل مناره یا اینکه تخت جمشید، راه تنگی قرار دارد و یک دروازه هم هست. در سر دروازه بالاخانه‌ای ساخته شده و در آن بالاخانه قرآنی است که نادرشاه نویسنده است (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۸۱)).

۲-۵- دروازه سعدی (دروازه گازرگاه یا دروازه فهندژ یا دروازه سعادت)

این دروازه در شرق شیراز و در محله درب شاهزاده و نزدیک آرامگاه سعدی قرار داشته و از آن جایی که مردم شیراز برای شستن لباس‌های خود به گازرگاه می‌رفتند به دروازه گازرگاه نیز مشهور بوده و در مقطعی نیز به دروازه سعادت معروف بوده است. افسردر کتابش از این دروازه به دروازه فهندژ نیز یاد کرده و می‌نویسد به دلیل اینکه از این دروازه به قلعه باستانی فهندژ می‌رفتند بدین نام موسوم شده است (افسر، ۱۳۵۳: ۵۴). احتمالاً نام این دروازه در دوره دیلمیان (قرن چهارم ه. ق) فهندژ بوده و سپس به سعادت تغییر نام داده زیرا حمدالله مستوفی مورخ قرن ۸ هجری قمری نام این دروازه را سعادت معرفی می‌کند و بعد به سعدی و گازرگاه معروف می‌گردد. همچنین باید در قرن ۸ هجری قمری به میدانی به نام سعادت اشاره کرد که توسط شیخ ابواسحق اینجودر محله درب شاهزاده و نزدیکی همین دروازه ساخته شده بوده و نامش را از همین دروازه گرفته است. طبق روایات تاریخی با حمله امیر مبارزالدین محمد مظفری به شیراز و ورود او از دروازه موردستان یا باغشاه به شهر، شیخ ابواسحاق از دروازه سعادت از شهر خارج می‌شود. از زمان صفویه این دروازه به سعدی و گازرگاه معروف می‌شود که تا زمان تخریب نیز به همین نام باقی مانده بود.

۳-۵- دروازه کازرون (دروازه شوشتر)

این دروازه در جنوب شیراز و در نزدیکی بقعه سید تاج‌الدین غریب (ع) قرار داشته است. به دلیل رفت آمد مردم و مسافری به سمت کازرون و شوشتر، دروازه را دروازه کازرون و شوشتر نیز نامگذاری کرده بودند. مقدسی جغرافیدان قرن چهارم هجری قمری از این دروازه به اسم دروازه شوشتر نام برده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۰۹). در کتاب بافت تاریخی شیراز آمده: ((چون از این دروازه سابقاً به شهرهای خوزستان می‌رفته‌اند و چون در زمان دیلمیان، خوزستان و بین‌النهرین در قلمرو حکومت آنان و چون مهم‌ترین شهر شوشتر بود، از این لحاظ دروازه غربی شهر که از آن به شوشتر می‌رفتند به این اسم خوانده شد ولی بعدها که خوزستان از حیطة تصرف و نفوذ حکمرانان فارس خارج شد و شهر کازرون به جای شهر باستانی بیشاپور اهمیت و اعتباری کامل یافت، این دروازه تغییر نام داد)) (افسر، ۱۳۵۳: ۵۹). که حمدالله مستوفی در اواخر دوره اتابکان در کتابش از این دروازه به دروازه کازرون نام برده است.

۴-۵- دروازه قصابخانه (دروازه فسا یا دروازه کوار)

دروازه قصابخانه یکی از دروازه‌های مهم شهر و محله بالاگفت محسوب می‌شد که در شرق شهر شیراز و در مسیر کوار قرار داشت. مقدسی نام این دروازه را کوار نوشته که جزو

۸ دروازه دوره دیلمیان بوده و علت نامیدن آن به خاطر رفت و آمد مردم به سمت کوار و شیراز بوده و احتمالاً نام اولیه این دروازه نیز بوده است. نام دیگر این دروازه، گوسفند هم بوده است که افسر علت نامیده شدن این دروازه به گوسفند اینگونه می‌نویسد: ((هنوز در جنوب شرقی شهر، در خارج از دروازه‌های شاهداعی الله و قصابخانه، کشتزارها و دهکده‌هایی است که اهالی شیراز آن‌ها را شوبازار می‌نامند. شویا شوب و چوو چوب به معنی گوسفند است که این جزو واژه‌های مرکب شبان و چوپان و چویدار (به معنی تاجر گوسفند) نیز وجود دارد و چون این ناحیه علاوه بر اینکه محل سکونت لشکریان دیلم قرار گرفته بود، احشام و گوسفندان را نیز در آن جا نگهداری و برای خرید و فروش عرضه می‌کردند و از قدیم کارگاه‌های قصابی و دباغی نیز در همین حدود قرار داشته است)) (افسر، ۱۳۵۳: ۴۹). فسا نیز از دیگر نام‌های این دروازه بوده و به دلیل مسیر شیراز به فسا این نام بر آن گذاشته شده بوده است. نویسنده کتاب فارسنامه ناصری در توضیح این دروازه می‌نویسد: ((گوسفندان را در خارج آن کشته، به شهر آوردند و تا اوایل سلطنت کریمخان زند، طاب ثراه آن را دروازه فسا می‌گفتند که گذرگاه کاروان فسا است)) (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۴۵). حمدالله مستوفی در دوره اتابکان یعنی قرن ۸ هجری قمری در بین ۹ دروازه‌ای که در کتابش ذکر می‌کند از دروازه فسا نیز صحبت کرده است. بدین ترتیب نام‌های این دروازه باید کوار، فسا و سپس قصابخانه باشد و نام آخر باید از دوره صفویه و بعد از آن نامگذاری شده باشد. امروزه نیز مردم هنوز نام قصابخانه را ذکر می‌کنند. فیگوترا که در اوایل دوره صفوی یعنی دوره شاه اسماعیل اول از شیراز بازدید کرده، می‌نویسد: ((در جلوسفیر همواره مردی روحانی که ایرانیان ملامی نامند حرکت می‌کرد. دروازه‌ای که سفیر از آن وارد شهر شد و اهالی شهر آن را دروازه فسا یعنی دروازه پاسارگاد می‌نامند، بسیار کوچک و به زحمت در میان بقایای دیواری گلین و کهنه برپا ایستاده است)) (فیگوترا، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

۵-۵- دروازه باغشاه (دروازه موردستان یا دروازه دراک موسی)

این دروازه در سمت غرب شهر شیراز قرار داشته و به همراه دروازه بیضاء، دروازه‌های محله میدان شاه محسوب می‌شده‌اند. تا قبل از دوره صفویه این دروازه به اسامی دروازه موردستان و دراک موسی نیز مشهور بوده که حمدالله مستوفی از آن‌ها یاد کرده و حتی در قرن ۸ هجری قمری و در زمان آل اینجو هنوز به دروازه موردستان معروف بوده و کرامت اله افسر موقعیت آن را در حوالی چهارراه زند فعلی می‌نویسد. این نویسنده در خصوص این دروازه به هنگام جنگ شیخ ابواسحاق و امیر مبارزالدین مظفری می‌گوید: ((کلو عمر، رئیس تمام کلویان به امیر مبارزالدین پیغام فرستاد که هرگاه به شهر حمله کند، او دروازه موردستان را که در اختیار دارد به روی او باز می‌کند)) (افسر، ۱۳۵۳: ۱۰۹). ظاهراً نام باغشاه در زمان صفویان به این دروازه داده شده و علت آن احداث باغ سلطنتی صفویه موسوم به همین نام بوده است. براساس توصیف جهانگردان صفوی که از شیراز دیدن کرده‌اند، موقعیت این دروازه به این صورت می‌باشد: ((خیابانی از ابتدای دروازه باغشاه تا مدخل باغشاه در امتداد خیابان زند فعلی ادامه داشته و دو طرف خیابان نیز باغ‌ها و دیوارهای مستحکم احداث گردیده بود و فاصله به فاصله در کنار خیابان در هر طرف سه میل سنگی قرار داده بودند که از میلی تا میل دیگر هیکل زن و مردی تشخیص داده می‌شد (افسر، ۱۳۵۳: ۱۶۵). فیگوترا از دروازه‌ای به نام دروازه آهن صحبت کرده که احتمالاً باید همین دروازه باغشاه باشد. او می‌نویسد: ((اهالی فارس این دروازه را که رو به سوی غرب و شمال غربی دارد، دروازه آهن می‌نامیدند. از این دروازه

خیابانی بسیار بزرگ آغاز می‌شد که دو هزار پا طول و نود پا عرض آن بود. این خیابان به یکی از خانه‌های شاه که سفیر باید در آن منزل می‌کرد، ختم می‌گردید)). این سفیر در ادامه توضیحات خود در مورد این خیابان می‌نویسد: ((خیابان به قدری پهن و صاف است که اهالی از آن برای اسب دوانی و تیراندازی با کمان استفاده می‌کنند)) (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۳۲). ادوارد براون در زمان قاجار، این دروازه را اینگونه شرح می‌دهد: ((یکی دیگر از راه‌های دخول به شهر دروازه باغشاه بود که در جلودر میدان مشق دو شعبه شده، شعبه‌ای از جبهه غربی و شمالی ارگ گذشته وارد میدان توپخانه می‌شد و شعبه دیگر از پشت میدان طویله و کوچه‌های پشت اندرون به محلات میدان شاه و بازار مرغ می‌رفت)) (براون، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

۶-۵- دروازه شاهداعی (دروازه درب سلم)

این دروازه در ابتدا به دروازه درب سلم مشهور بوده و سپس به دروازه شاهداعی معروف می‌گردد که امروزه نیز هنوز مردم شیراز اسم این قسمت را دروازه شاه داعی یا شادوعی صدا می‌زنند. مهراز در کتاب بزرگان شیراز شیخ سلم صوفی را چنین معرفی می‌کند: ((شیخ سلم بن عبدالله صوفی شیرازی از اکابر قدما و اعیان مشایخ شیراز بوده است. عبدالله خفیف از قول دیلمی درباره او داستانی نقل کرده که در آن کراماتی به شیخ سلم نسبت می‌دهد. زمانش معلوم نیست ولی قبر او هم اکنون در شیراز معروف است و قبرستان عمومی به نام سلم خوانده می‌شود)) (مهراز، ۱۳۴۸: ۱۰۶). در کتاب تذکره هزار مزار نیز آمده: ((از اکابر متقدمان است و از مشاهیر مشایخ صوفیه و در فارس ثابت قدم بود و در معرفت راسخ گشته)) (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۷۶). از دوره صفویه این دروازه به دروازه شاه داعی تغییر نام پیدا می‌کند. نام شاه داعی الله شیرازی سید نظام‌الدین محمود بوده و از سادات حسینی شیراز که لقب خود را از اجدادش گرفته زیرا آن‌ها خود را داعی می‌خواندند. سید ابوالوفا از مریدان او بوده است. شاه داعی الله از خلفای شاه نورالدین نعمت‌الله بود و با بسیاری از بزرگان عرفا ملاقات و مصاحبت کرد. آرامگاه او در گورستان سلم شامل محوطه وسیعی است. کریمخان زند برگز او سنگ سماق محکمی انداخت. از جمله کتاب‌های او می‌توان به محاضر السیر فی احوال خیر البشر، رساله بیان عیان، رساله مرآت الوجود و... اشاره نمود. وفات او به سال ۸۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد (مهراز، ۱۳۴۸: ۳۱۷).

نتیجه‌گیری

دروازه یک مکان، در دید نخست، مدخلی است که امکان حضور در آن محیط را فراهم می‌سازد و امکان حرکت در مراحل بعد را فراهم می‌آورد. ورودی از دیرباز یکی از عناصر اصلی ساختار شهر را شکل داده و متأثر از عوامل گوناگون، به حالات مختلف نمود پیدا کرده و دروازه‌ها در شهرهای قدیم نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کردند. این بناهای تخریب شده و از یاد رفته حس حضور مسافرا را به درون شهر ایجاد می‌کرد اما متأسفانه امروز خبری از وجود دروازه نیست. مسافران در زمان قدیم با دیدن دروازه‌ها، ورودی شهرها را حس می‌کردند. شهر شیراز در دوران اسلامی دچار تغییر و تحولات بسیاری شد که یکی از این تغییرات، دروازه‌های شهر بوده است. هر چه به دوران قاجار نزدیک می‌شویم دروازه‌های شهر کاهش می‌یابد تا اینکه بعد از این دوره به کلی فراموش می‌شوند. در دوره زندیه که شیراز به عنوان پایتخت ایران انتخاب گردید، مؤسس این سلسله تغییرات بسیاری در این شهر ایجاد کرد که شاید از اولین اقدامات او جهت

امنیت شهر، بستن نیمی از دروازه‌های شهر بود. متأسفانه بعد از دوره زندیه، دروازه‌ها به مرور زمان به دست فراموشی سپرده شدند و تخریب گردیدند چنانچه امروز دیگر به جز نامی از آن‌ها چیزی وجود ندارد و فقط باید به دروازه قرآن اشاره نمود که آن نیز از دوره زندیه به بعد دچار تغییرات و مرمت‌های زیادی گشته است. به همین دلیل نبود دروازه‌ها باعث شده محدوده شهر از فضای بیرون جدا نشود و حس حضور در شهر شکل نگیرد.

مراجع

۱. افسر، کرامت اله، (۱۳۵۳)، «تاریخ یافت قدیمی شیراز»، تهران، انتشارات قطره
۲. براون، ادوارد، (۱۳۷۸)، «یکسال در میان ایرانیان»، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، انتشارات اختران
۳. بروگش، هینریس، (۱۳۷۴)، «در سرزمین آفتاب»، ترجمه مجید جلیلوند، تهران، انتشارات مرکز
۴. بهشتی، محمد، قیومی بیدهندی، مهرداد، (۱۳۸۹)، «فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی»، تهران، انتشارات دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۵)، «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران»، تهران، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما
۶. جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، (۱۳۲۸)، «شداالازار»، به تصحیح محمد قزوینی، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس
۷. چریکف، مسیو، (۱۳۵۸)، «سفرنامه چریکف»، ترجمه آبکار مسیحی، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
۸. حاج سیاح، (۱۳۶۳)، «سفرنامه حاج سیاح»، به اهتمام علی دهباشی، تهران، انتشارات ناشر
۹. حسین پور، محمد، (۱۳۸۹)، «شهرنشینی و شهرسازی در عهد زندیه»، مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه، شیراز، انتشارات بنیاد فارس شناسی
۱۰. حسینی فسایی، حسن، (۱۳۶۷)، «فارس‌نامه ناصری»، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۱. حکمت نیا، امیرحسین و احمدی، محمد رضا، (۱۳۹۵)، «بناهای دوره زندیه در شیراز»، مجموعه مقالات کنگره استانی چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران-استان فارس، شیراز، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۲. رسولی، هوشنگ، (۱۳۸۹)، «ساختار شهرها و برون شهرهای کهن»، شیراز، انتشارات نوید شیراز
۱۳. ریچاردز، فرد، (۱۳۷۹)، «سفرنامه ریچاردز»، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بی نا
۱۴. سامی، علی (۱۳۳۷)، «شیراز شهر سعدی و حافظ»، شیراز، انتشارات موسوی
۱۵. شعله، مهسا، (۱۳۸۵)، «دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر (ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷
۱۶. فرصت الدوله شیرازی، محمد، (۱۳۶۲)، «آثار عجم»، تهران، انتشارات بامداد
۱۷. فلاح فر، سعید، (۱۳۷۹)، «فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران»، تهران، انتشارات کامیاب
۱۸. فیگوئرا، دن گارسیا، (۱۳۶۳)، «سفرنامه فیگوئرا»، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، انتشارات نو
۱۹. مهراز، رحمت الله، (۱۳۴۸)، «بزرگان شیراز»، تهران، انتشارات آثار ملی
۲۰. مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، «احسن التقاسیم»، ترجمه علینقی منزوی، تهران، انتشارات مولفان و مترجمان ایران
۲۱. نصر، طاهره (۱۳۸۷)، «جستاری در شهرسازی و معماری زندیه»، شیراز، انتشارات نوید شیراز
۲۲. نیبور، کارستن، (۱۳۵۴)، «سفرنامه نیبور»، ترجمه پرویز رجبی، تهران، انتشارات توکا